

تا نقشی را دوست نداشته باشم بازی اش نمی‌کنم.

در «غر بیانه» در قالب نقش یک مرد ایرانی طبقه پایین جامعه که نگران خانواده‌اش است بازی در سنی ارائه کردید و نشان دادید که با سایر کارگردانها هم می‌توانید راحت کار کنید.

در این فیلم پور عرب و هدیه تهرانی بازی داشتند و یک ملودرام خوش ساخت و پر مخاطب بود و از مقطعی سایر کارگردان‌ها پتانسیل من را شناختند و لطف داشتند نقش‌های خوبی به من پیشنهاد می‌دادند.

از یک مقطع زمانی و دقیق‌تر با فیلم‌هایی نظیر «مصائب شیرین» پای سایر اعضا خانواده شما در فیلم‌های برادر تان باز شد. این روند چگونه شکل گرفت؟

علیرضا چند باری طرح‌هایی را برای بازی اعضا خانواده پیشنهاد داد و تمریناتی هم داشتیم و علیرضا دید تمرینات خوب و درست انجام شده ترغیب شد که در فیلم‌هایی مثل «مصائب شیرین» و «مرهم» و چند تایی دیگر مادر، مادر بزرگ و فرزندانمان هم در فیلم در کنار بازیگران حرفه‌ای حضور داشته باشند و اتفاقاً این روند جواب داد و فیلم‌هایی مثل «مرهم» و «مصائب شیرین» بسیار موفق بود و بخشی از چالش‌های طبقه متوسط ایرانی را خیلی درست مطرح کرد و مورد توجه مردم هم قرار گرفتند.

آیا برای شما همبازی شدن با اعضا خانواده در این نوع فیلم‌ها بیشتر جذاب است یا فیلم‌هایی مثل «هشت پا» که در کنار استارهای سینما مثل فروتن و کرامتی همبازی بودید؟

برایم فرقی نمی‌کند. من بازیگرم و کارم بازیگری است و ملاک یک پیشنهاد خوب کاری، داستان درست و نقش درست و مناسب است.

در مقطعی برادر تان با ساخت فیلم‌هایی مثل «هشت پا» از ساخت فیلم‌های واقع‌گرایانه اجتماعی فاصله گرفت. دلیل این رویکرد چه بود؟

نمی‌شود همیشه یک جور و یک مدل با الگوی ثابت فیلم ساخت. فیلمساز دوست دارد در کارنامه کاری‌اش تجربه‌های متفاوتی داشته باشد و برود به سمت ژانر و فرمت جدید. یک هنرمند برای پویایی در کارش نیاز دارد تجربه‌های مختلفی انجام بدهد.

در فیلم «قدمگاه» یک فضای دینی را در یک اثر اجتماعی به کارگردانی فیلمساز متفاوتی مثل محمدمهدی عسگرپور تجربه کردید..... محمدمهدی عسگرپور کارگردان خوب و کار بلدی بود و همراهیش در فیلم «قدمگاه» برایم خوب و دلپذیر بود.

از میان کارگردان‌هایی که تا به حال کار کرده اید (به جز برادر تان) از کدامیک رضایت بیشتری داشته‌اید؟

بامهدی صباغ‌زاده خیلی راحت و هماهنگ بودم و سبک کاری‌اش را دوست دارم و چند فیلم برایش بازی کرده‌ام و مرد دوست داشتنی است. تا به حال پیش نیامده با کارگردانی کار کرده باشم و خاطره بدی از او در ذهنم باقی مانده باشد و یا درگیری و چالشی پیدا کرده باشم.

در سریال‌های کمدی مثل «موج و صخره» با مجید صالحی همکاری داشتید.....

سریال هم جذابیت خاص خودش را دارد و بعد از سالها بازیگری بلدم در هر نوع فرمت و مدلی بازی کنم و این کار یک کمدی پلیسی جذاب و خنده‌دار بود و مدت‌ها در جزیره کیش کار کردم.

در سال‌های اخیر بیشتر در حوزه کمدی مثل بازی در سریال «خوشنام» حضور داشته‌اید....

در حد سلام و علیک بود. من در دفتر عمران امام فعالیت می‌کردم و از حال و احوال بچه‌های سپاه مطلع بودم.

آیا با چمران ارتباطی در غرب داشتید؟ در جنوب با دکتر ملاقات کردیم.

چگونه سر از جنوب در آوردید؟ بعد از آمدنم از کردستان جنگ شروع شد و با اتفاق علیرضا دو ماهی در منطقه حضور پیدا کردیم.

آیا بعد از این دو ماه به تهران باز گشتید؟ بله و بعدش من دوباره به جبهه رفتم.

بنابراین از روند تولید فیلم «جایزه» دور بودید. بله ولی در ساخت فیلم سبب‌نمایی «خانه عنکبوت» از شروع پروژه در کنار علیرضا بودم و هم بازی، دستیاری و سایر کارها را هم انجام می‌دادم.

در فیلم «خانه عنکبوت» سوای حضور نام‌های بزرگ مثل مشایخی و انتظامی هنرمندی مثل مسعود بهنود هم حضور داشت. بهنود چگونه در این فیلم حضور پیدا کرد؟

این را منی دادم، علیرضا، مسعود بهنود را دعوت کرده بود. در این فیلم تعداد زیادی بهترین بازیگران حضور داشتند و شبها در هتل بحث متد اکتینگ رواج داشت.

به نظر نمی‌رسد مشایخی و یا انتظامی اعتقادی به متد اکتینگ داشتند.

اما در زمان آنها آناهیتا به مدیریت اسکویی متد اکتینگ آموزش می‌داد و با این سبک بیگانه نبودند. بازیگران مقید به سبک متد اکتینگ همیشه جزو بهترین‌ها بودند.

در کارنامه بازیگری شما بازی در فیلم «نیاز» در قالب یک شخصیت خاکستری یک نقطه عطف بود.

فیلم «نیاز» درست عین زندگی و برشی از زیست طبقه فرودست جامعه بود و همه چیز رئال و واقعی بود و تصنعی در ساختار فیلم دیده نمی‌شد و مردم هم از فیلم استقبال کردند.

به چه دلیل تا قبل از فیلم «نیاز» با کمتر فیلمسازی به جز برادر تان همکاری داشتید؟ دلیل خاصی نداشت و شرایط چنین مسئله‌ای را به وجود آورده بود.

یکی از فیلم‌های مهم و درجه یک علیرضا داود نژاد فیلم «خلع سلاح» بود که قربانی سوءتفاهمات شد.

برای ساخت «خلع سلاح» سختی‌های زیادی متحمل شدیم و متأسفانه فیلم به اندازه لیاقت و شایستگی‌اش دیده نشد. در این فیلم نقش فرماندار رشت را بازی کردم.

در فیلم «هوو» هم نقش یک آدم فرصت طلب از خانواده را در ساختار کمدی فیلم به خوبی ایفا کردید؟

فیلم «هوو» یک کمدی اجتماعی جذاب و خوش ساخت بود که در شمال کشور کار کردیم و رضا عطاران و علی صادقی و مرحوم رضا پسر برادرم در این فیلم بازی داشتند. اصولاً من در هر نقشی که غرق شوم و توهم را زیاد به خودش جلب کند بازی بهتری ارائه می‌کنم. موقعی که با نقشی زندگی می‌کنی ممکن است این نقش به خود بازیگر نزدیکی‌های زیادی داشته باشد. برخی از وقتها نقش از خود بازیگر دور است و بازیگر باید بتواند در کش کند و زیست آن را در ذهنش تجسم کند و بعد برود جلوی دوربین.

کدام یک از نقش‌هایی که بازی کرده‌اید به شما نزدیک‌تر است؟



«پیر پسر» یکی از فیلم‌های جنجال برانگیز و پر از نظرات مثبت منتقدان و اهالی سینما بود. فیلم خوب و موفق بود و اکتانیا برآهنی به خوبی توانسته بود فضا سازی و روابط بین شخصیتها را در یک فیلمی که گفت و گو محور بود از کار در بیاورد و اغلب بازی من با مقابل حسن پورشیرازی بود.

در این چهار - پنج دهه با اغلب بزرگان بازیگری همکاری داشته‌اید کار با کدام بازیگر برایتان جذابیت بیشتری داشت؟

یکی از بهترین‌ها حسن پورشیرازی بود که بسیار خوش مشرب و یک بازیگر معرکه است. بعد از این فیلم ارتباط صمیمی بین ما برقرار شد. حامد بهداد هم بازیگر درجه یک و توانمندی است.

آیا بازیگران نسل جوان با اندازه نسل شما قابلیت و توانمندی دارند؟

مدعی بین نسل جوان زیاد است. اگر مقداری علاقه به یادگیری همانگونه‌ای که در ماها وجود داشت داشته باشند می‌توانستند خیلی بهتر از این باشند و یک جاهایی ترمز کردند و فکر کردند به آخرش رسیده‌اند. در صورتی که هنر آخر و انتهایی ندارد.

کدام بازیگر نسل جوان استانداردهای لازم را داد؟

بگذارید نام واسمی نبرم و به هر حال در میان‌شان بازیگر خوب و درجه یک وجود دارد و باید از استعداد و توانایی‌هایشان مراقبت کنند و به یادگیری همچنان توجه داشته باشند و خودشان را بی‌نیاز ندانند.

خب بازیگرم و مجبورم طبق پیشنهاداتم انتخاب و بازی کنم و در سالهای اخیر اغلب پیشنهادات کمندی بود و تلاش کردم بهترین‌هایشان را انتخاب و بازی کنم. سریال «خوشنام» هم یک کمدی اجتماعی خوش ساخت و موفق بود.

آیا دغدغه کارگردانی در سینما و یا تلویزیون به سراغتان نیامده است؟

قبل تر نه، اما یکی دو سالی است که بدم نمی‌آید فیلمی بسازم.

آیا سوژه و موضوعی برای کارگردانی آماده دارید؟

یکی دو تا قصه خوب و درست نوشته‌ام و همه‌شان جدی و اجتماعی است.

سال قبل هم با دو فیلم «کفایت مذاکرات» (کمدی) و فیلم «پیر پسر» در جشنواره فیلم فجر حضور داشتید. از این تجربیاتتان بگویید؟ فیلم «کفایت مذاکرات» فیلم کمدی بود اما نقشم کاملاً جدی بود و در موقعیتهایی شخصیتی که بازی می‌کردم کمدی موقعیت خلق می‌کرد و دو بازیگر نقش مقابلم (محسن کیایی و مهران غفوریان) به خصوص محسن خیلی خوب بودند و بده و بستان بازیگری درست و مهندسی شده اجرامی شد.

با مهران غفوریان هم قبلاً بازی داشتید؟ درست است و به خاطر همین بازی‌مان هماهنگ بود. هم مهران و هم محسن با احساس و صمیمی و همراه هستند.